



مشکل در رویکردهای آموزشی و تربیتی است دغدغه‌اش را نداریم... گفت‌وگو با حجت الاسلام و المسلمین نظافت معاون اسبق آموزش و پژوهش حوزه علمیه خراسان



طرفیت در همه زمینه‌ها به فعلیت نرسیده است. هم مطالبه جدی وجود نداشته و هم خودش در این عرصه فعال نبوده است. به شرط ورود و برنامه‌ریزی، آرام‌آرام توانمندی‌هایش شکوفا می‌شود. در جاهایی که ورود پیدا کرده است، نتایج خوبی داشته است؛ اما مشکل اصلی، غفلت از رسالت‌هاست. حوزویان هنوز توجه ندارند که در فضای سی سال پس از انقلاب زندگی می‌کنند و نه تنها نظام اسلامی که حتی دنیا از آن‌ها توقع دارد. چون خودشان را دست‌کم گرفته‌اند و به نیازهای جدید توجه ندارند، با این وضعیت جدید هماهنگ نشده‌اند؛ کند حرکت می‌کنند و از تحولات عقب می‌مانند!

آیا نظام آموزشی حوزه به گونه‌ای هست که خروجی‌هایش پاسخ‌گوی نیازهای نظام باشند؟ یا به‌طور دقیق‌تر، نظام آموزشی حوزه چقدر متناسب با نیازهای نظام اسلامی طراحی شده است؟

متأسفانه کاستی‌هایی از نظر برنامه مدون آموزشی وجود دارد که نمی‌توان چنین ادعایی را داشت. در این زمینه برنامه مدونی نداریم و برنامه آموزشی حوزه هم تناسبی با این مسئله ندارد؛ همان برنامه قدیم



حجت‌الاسلام محمدجواد نظافت یزدی، در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه مشهد شده و کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث را نیز در سال ۱۳۷۸ از دانشگاه قم گرفته است. او تأکید فراوانی بر مباحث تربیتی حوزه علمیه دارد و این را از برنامه‌های مدرسه تحت مدیریتش، مدرسه علمیه حضرت مهدی (عج) و نیز از منبرهایی که برای جوانان فعال فرهنگی مشهد می‌رود، می‌توان فهمید. گفت‌وگو با استاد نظافت، قرار بود در قالب هم‌اندیشی «الزامات آموزشی» و با حضور سه معاون اخیر آموزش حوزه علمیه خراسان انجام پذیرد؛ اما ممکن نشد و گفت‌وگوی مجزایی را ترتیب دادیم؛ البته با محوریت مسائل تربیتی. طلوع صبح یک روز جمعه، وعده مصاحبه ما با استاد نظافت در منزلشان که حضور ما مقارن بود با ختم یکی دیگر از جلسات ایشان! هنوز سؤال‌انجام باقی بود که جلسه دیگری گفت‌وگو را ناتمام گذاشت...

تراود که در اوست! بهترین سریال‌ها با بهترین کارگردان‌ها هم عوارض فرهنگی دارد. در همه عرصه‌ها همین است؛ مادامی که پزشک معتقد به دین را تربیت نکرده باشید، نمی‌توانید انتظارات اسلام و نظام اسلامی در حوزه پزشکی را برآورده کنید. حوزویان اگر می‌خواهند عمرشان هدر نرود و حرف‌ها و کتاب‌هایشان اجرایی شود، نظام را باید بازوی اجرایی خود بدانند. نظام است که می‌تواند دین را پیاده کند و در عمل، آمر به معروف و ناهی از منکر باشد. این قدرت امروز در دست نظام اسلامی است؛ اما وقتی می‌تواند آن را پیاده کند که طرح روشن و مجریان کارآمدی داشته باشد.

حوزه چقدر توان پاسخ‌گویی به نیازهای نظام را دارد؟ این امکان را بالقوه دارد؛ اما این

نیست که هر دو وظیفه بر عهده حوزه است. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمودند که یکی از وظایف نظام اسلامی و در واقع حق مردم بر حاکم، تعلیم و تأدیب است؛ یعنی تربیت مردم. رسالت نظام اسلامی در امر تربیت بر عهده کیست؟ طبیعتاً حوزه باید آدم‌هایی را تربیت کرده باشد که بازوی تربیتی نظام اسلامی باشند. وگرنه کار به جایی می‌رسد که باید برای بازرس هم بازرس بگذارند! نرم‌افزار و رهبرش وجود دارد؛ اما در صحنه اجرا با مشکل روبه‌رو می‌شود.

در هر عرصه‌ای که نگاه می‌کنیم، مشکل تربیت داریم؛ مثلاً در عرصه هنر، حتی اگر هنرمندان نیت سوئی نداشته و از طرف دشمن هم هدایت نشده باشند، چون تربیت دینی نشده‌اند، بالاخره از کوزه همان

تصویر شما از ارتباط حوزه با نظام اسلامی چیست؟

حوزه نمی‌تواند نسبت به نظام اسلامی بی‌تفاوت باشد؛ چون نظام اسلامی به یک معنا بازوی اجرایی حوزه است که نرم‌افزارش را حوزه تهیه می‌کند. نظام اسلامی است که می‌تواند ایده‌پردازی حوزه را اجرایی کند. از منظر دیگر، مجریان باید توانمندی‌های معرفتی و معنوی داشته باشند تا بازوی اجرایی خوبی برای حوزه باشند و رسالت تربیت آدم‌ها هم بر دوش حوزه است. پس حوزه از دو منظر وظیفه کمک به نظام را بر عهده دارد؛ تهیه نرم‌افزار و تربیت مجریان. مشکلات نظام هم در همین دو عرصه است؛ یکی این که راه کار و مانیفست روشنی ندارد و دیگر این که بر فرض مهیا بودن راهکارها، مدیریت و نیروی انسانی معتقد برای اجرا تربیت نشده است. تردیدی